

چرا از چپ بیم داریم و از دموکراسی در حراس هستیم؟



یک نظر کوتاه و شتابان به تاریخچه مبارزات سیاسی در طول تاریخ کشور نشاندهنده آنست که نیرو های مترقی ، وطنپرست و تحول پسند در ادوار مختلف تاریخ معاصرکشور نقش بارز و قابل لمس داشته و در راه تعالی ، ترقی و جستجوی راه های مناسب رسیدن به هدف تلاش کرده و فداکاری ها نموده اند . مبارزات چند دهه اخیر وطنپرستان و نیرو های مترقی و تحول پسند در کشور ما نیز از این قاعده بیرون نبوده است . با سقوط و فروپاشی نظام دموکراتیک در کشور و رویکار آمدن تنظیم های تند رو و کند رو جهادی در قدرت و پی آمد های دلخراشی بعدی آن ، ظهور و سقوط جبری امارت طالبانی و به قدرت رسیدن مجدد لاشخوران قبیله بزور دالر و سلاح امریکایی این مفهوم را تداعی مینماید که نیرو های دموکرات ، وطنپرست و ترقی خواه باید از تفکرات عمیق ، وهم ، ترس و تخیلات ترس آور گذشته بخود آمده راه گذشته گان را با مضمون و محتوای جدید ، ارمان ها واهداف که جواب گوی شرایط و اوضاع واحوال کنونی باشد تعقیب نمایند .

همانطوریکه من در مضمون قبلی خود زیر عنوان " چپ دموکراتیک حرف های برای گفتن دارد " نوشته بودم وقتی سخن از چپ دموکراتیک به میان میآید ما را نباید بفرکر چپ دیروزی بیاندازد و موجب ترس و دلهره شود . چپ امروز متشکل از نیرو های وطنپرست ، تحول پسند و مترقی است که با در نظر داشت شرایط و اوضاع و احوال کنونی جامعه بخاطر مصالحه ای ملی ؛ قطع جنگ و خونریزی ؛ اعمار مجدد جامعه ، تعالی و تمدن ؛ احیایی فرهنگ عالی زیست باهمی ؛ احترام به قانون اساسی و تأیید قوانین نافذ در کشور و تحکیم روحیه قانون پذیری و پابندی به آن ؛ روشن ساختن افکار عمومی و مبارزه برضد افراط گرای ؛ تشویق و کشاندن توده های بزرگ مردم جهت اشتراک در اتخاذ تصمیم مهم ملی ؛ بلند نمودن صدا بر ضد بی عدالتی ، چور و چپاول دارای های ملی ، کشت ، قاچاق و فروش مواد مخدر ؛ مبارزه پویا بر ضد خائنین ملی ، جنایتکاران جنگی ، متجاوزین به ناموس و حقوق شهروندی ؛ اجرا و تطبیق عدالت انتقالی ؛ توسعه معارف و بلند بردن سطح دانش عمومی شهروندان ؛ روشنگری و ترویج فرهنگ تحمل و استدلال و ترویج علم ودانش به جای خرافات و تاریک اندیشی ؛ تربیه ای کودکان و جوانان با روحیه وطنپرستی و احساس مسوولیت در برابر مادر وطن ؛ تحکیم هر چه بیشتر صلح و آشتی میان توده های مردم ؛ جلوگیری از نظامی گری و کشیدن سلاح برخ مخالفین سیاسی ؛ جستجوی راه های معقول و مناسب استفاده از کمک های جامعه جهانی غرض اعمار مجدد وطن ویران شده ما ؛ افشا و جلوگیری از حیف ومیل کمک های جامعه جهانی برای اعمار کشور ؛ استفاده مفید و مناسب از حضور نیرو های امریکایی و ناتو در افغانستان ؛ رفع اختلافات مذهبی ، قومی ، قبیله وی و زبانی میان لایه های و اقشار مختلف در جامعه ؛ تقویه ای روحیه برادری میان ملیت ها ، اقوام و قبایل کشور ؛ تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ؛ رفع انواع ستم اجتماعی و تحکیم آزادی های فردی و . . . مبارزه وتلاش می نمایند .

زمانیکه ما از دموکراسی حرف می زنیم ، تفهیم ازادی عقاید و ابراز نظر آزاد در مورد مطالب طرف بحث ؛ انتخابات آزاد ؛ آزادی بیان و حقوق انسانی شهروندان ؛ آزادی مطبوعات و وسایل اطلاعات جمعی ؛ ترویج دموکراسی و تقویه ای نهاد های حمایه از حقوق بشر ؛ دفاع از حقوق و آزادی های زنان و مبارزه بخاطر رفع خشونت علیه زنان ؛ تساوی حقوق زنان ومردان در تمام عرصه های زنده گی اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی ؛ حمایت و پشتیبانی از کانونسیون جهانی حقوق بشر ؛ پلورالیزم سیاسی و خوداری از یکه تازی . . . مورد نظر ماست .

اجمال اهداف ، وظایف ، افکار و عقاید چپ دموکراتیک نشاندهنده واقعیت های عینی جامعه ما بوده جای برای ترس ، وهم و وحشت نگذاشته بلکه جوابگوی مطالبات عصر و زمان نیز میباشد . نیرو های دموکراتیک ، وطنپرست و مترقی نمیتوانند در خلا و دور از درک و تحلیل مناسبات و اوضاع فعلی جامعه در پی طرح اهداف غیر عملی و بیگانه با واقعیت های کشور و جامعه برآمده خود و جریان سیاسی را از اجتماع و مردم تجرید نمایند .

وقتی صحبت از چپ دموکراتیک در میان می آید ، تکیه ما بالای تقویه ، تحکیم و پایداری شدن دموکراسی است زیرا ما در گذشته از عدم موجودیت آن چه در جامعه و چه در سازمان های سیاسی چپ خطرات تلخ و دردناک داریم . مرکزیت مطلق ، عدم توجه به عقاید و نظریات رده های پایینی ، خود کامه گی و خود پسندی ، غرور و تکبر ، تلاش های غیر معقول جهت رسیدن به مدارج بالاتر جنبش چپ و نیرو های وطنپرست را دچار بحران های بزرگ سیاسی و پرابلم های بیشمار اجتماعی ساخت . اگر جنبش چپ دموکراتیک که تازه در حال جان گرفتن است نتواند به نظام دیکته و تحمیل اراده در رده های مختلف پایان دهد ، ما اشتباهات گذشته را تکرار کرده پیش از اینکه به پای خود

بیایستیم ، دچار بحران دیگری خواهیم شد . روی همین ملحوظ هم است که ما مجبور هستیم هر چیز و هر پدیده را بنام خودش یاد کرده مورد تعریف و توضیح قرار بدهیم . هر چند این نام ها برای بعضی ها نا خوشایند بوده موجب ترس و وحشت هم شود .

چون نیرو های مترقی ، وطنپرست ، تمدن پسند و روشنفکران چیزفهم و طیف وسیع از اقشار ولایه های جامعه بخاطر پشرفت ، تمدن و ترقی در تلاش اند لذا تشکل تمام این نیرو ها در یک سازمان سیاسی واحد غیر ممکن و غیر عملی بوده ضرورت ایجاد یک پلاتفورم یا جبهه وسیع را می نماید که هر فرد یا سازمان سیاسی خود را در آن بپیابد و زمینه کار و فعالیت سیاسی برایش مساعد باشد . این ها راه و امکانات اند که نیرو های وطنپرست و مترقی میتوانند با استفاده از آن به آرزو های دیرین خود که خدمت به وطن است برسند .

اگر حرف های قاضی سید احمد که در اظهارات جدید خود گفته است " ربانی برایم گفت که همه تنظیم ها را با هم نزدیک ساخته است و امیدوار است که با اشتهای دادن حکمتیار و طالبان نیرو های امریکایی دیگر بهانه ای برای باقی ماندن بدست نیاورند ، انشاءالله همه تنظیم ها دوباره پیروز میشوند و ما کرزی و امریکایی ها را مثل روسها شکست میدهیم و برادری با پاکستان را در یک فدراسیون اسلامی دوباره احیا میکنیم . . . " (1) درست و نمازی باشد دیده میشود که سازمان های راست و راست افراطی بر علاوه ایتلاف های گوناگون در صدد نزدیک ساختن و اشتهای افراطی ترین گروپ ها و تنظیم ها بوده و با تقویه پایه سیاسی خود در صدد کودتا بر ضد حکومت آقای کرزی و قوت های نظامی ناتو و امریکا بر آمده اند . ولی فراموش نباید کرد که کودتا و اجرای اعمال قهرامیز راه حل پرابلم های جامعه افغانی نبوده و تجربه چند سال اخیر انرا نیز به وضاحت نشان داده است .

این اظهارات (اگر درست باشد) و تلاش های پیهم تنظیم ها و گروپ های راست و راست افراطی مواد اند برای تفکر و تعمق بیشتر برای نیرو های وطنپرست ، مترقی و روشنفکران چیز فهم جامعه ما که نباید از پهلوی آن با بی تفاوتی بگذرند .

1- مثلث امریکا ، هند و افغانستان - پی امد ها و چالش ها ؛ کبیر کمال ؛ صفحات انترنتی هود و اریایی .